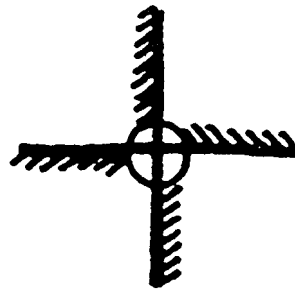


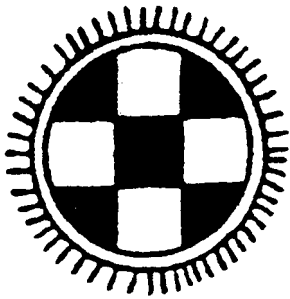
انسان فرا گرفت که آتش را به یاری مالش دو چوب که بر یکدیگر صلیب شده بودند بسازد، و این ابزار ساده به تدریج مقدس شد. «چلیپا» نیز نشانه‌ای مقدس و مظهر آتش نجات بخش شد. (ت: ۶)



### گردونه خورشید:

نشانه‌ی آریایی معروف به «سواستیکا» که یکی از قدیمی‌ترین نقش مایه‌های باستانی است. این نشانه در چین علامت شادکامی و خوشبختی و در ایران و هند و نزد اقوام آریایی مظهر و نشانه‌ی نمادین خورشید بوده و به حکم همین مفهوم فرهنگی - تاریخی است که آن را «خورشید آریایی» نامیده‌اند. کهن‌ترین نمونه خورشید آریایی یا گردونه‌ی خورشید تا پیش از روزگار هخامنشی بازوان خمیده و منحنی و هیأت تقریباً مدور داشته و بعدها خطوط و اضلاع آن مستقیم و هندسی و زاویه‌ها قائمه شده است.

خورشید پادشاه اختران در منظومه شمسی، گرم‌ترین، درخشان‌ترین و بزرگ‌ترین اختری است که از روزگاران گذشته با چشم دیده می‌شده، و بیش‌تر از آن نیرو و زندگی می‌گرفته و حتی گیاهان و جانوران را پرورش می‌داده است. خورشید در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد در فلات ایران از بزرگ‌ترین خدایان شمرده می‌شد چنان‌چه کاوش‌های انجام شده در سیلک کاشان، تپه حصار دامغان و... این مسئله را روشن ساخت که در هزاره‌ی سوم و دوم قبل از میلاد مردگان را به سوی شرق یعنی طرفی که خورشید طلوع می‌کند می‌خوابانده‌اند. انسان چون هست و نیست خود را از وجود خورشید می‌دانست، به پرستش آن پرداخت. انسان آن روزگار دیرین که ویژگی نعمت بخش را برای آتش و خورشید و نیز برای نقش و نگار آنها می‌دانست این نقش را روی هر چیز که به آتش و خوراک وابستگی داشت، می‌کشید.



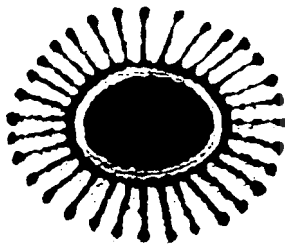
(ت: ۹) و (ت: ۱۰)

### خورشید:

خورشید نماد آفرینندگی، قانون طبیعت، آتش، آگاهی و تفکر، روشنگری، حیات، پدر (مادر) است. خورشید در حال طلوع، نماد تولد و در حال غروب، نماد مرگ است.

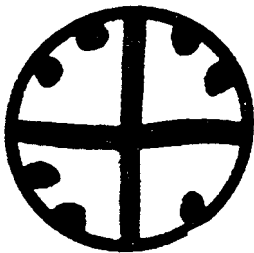
### پرتوهای خورشید:

نماد بال‌های خورشید، گردونه و چرخ حیات است. (ت: ۱۱)



### د چرخ:

نماد خورشید و جان، معبد خورشید و پره‌های چرخ پرتو خورشید، و نیز سمبل چرخ فلک و فلک البروج است. (ت: ۱۲)



### ماه:

ماه نماد حیات گیاهان و جانوران، روشنی و سپیدی شب، نماد باکرگی و کشتزار بکر در اساطیر ایرانی است. نقش ماه نیز مانند خورشید به عنوان

خورشید در جوامع کهن جزء برجسته‌ترین خدایان و در مواردی به عنوان خدای نرینه محسوب می‌شد که به وسیله‌ی نیروهای خود یعنی خدایان متعددی که به نیابت او در زمین حکومت می‌کردند، جهان را نظم می‌داد.

خدای شمس در بین النهرین، خدای اینوشو شیناک در ایلام، خدای روشنایی در دین مانی و خدای ایشتر در بابل بیانگر اهمیت فراوان خورشید در فرهنگ و مذهب می‌باشد. به مرور ایام نقش خورشید ساده‌تر شد و به صورت صلیب و صلیب شکسته درآمد که نمونه‌های آن بر روی ظروف سیلک بسیار دیده می‌شود. (ت: ۷) و (ت: ۸)



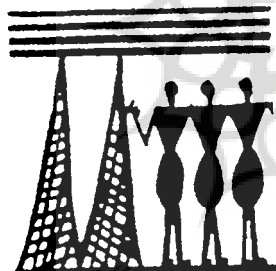
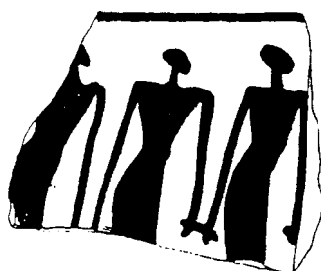
# سیلک؛ مظاهر گیاهی، انسانی و کیهانی

منصوره حبیبی

مدرس و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

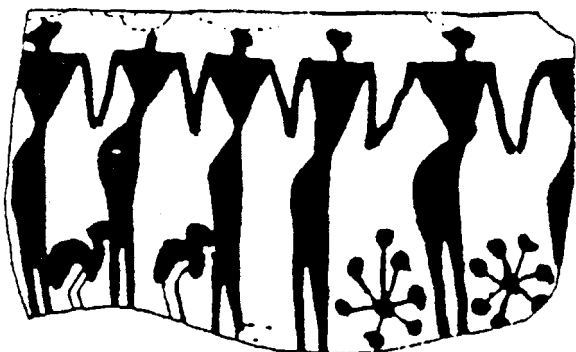
## مظاهر انسانی:

از دیگر نقوشی که بر ظروف سفالی دوران قبل از تاریخ جلوه می‌کند نقش انسان است که غالباً با قامت بلند و شانه‌های پهن و کمر باریک دیده می‌شود. از جمله می‌توان به قطعه سفالی از تپه‌ی سیلک اشاره کرد که بر روی آن نقش عده‌ای را در حال حرکت و رقص می‌بینیم که دست در دست یکدیگر دارند. در بین انسان‌ها نقش پرنده و گیاه نیز به چشم می‌خورد. احتمالاً این نقش نشان‌دهنده‌ی برگزاری جشنی به هنگام برداشت محصول است. نقش زنان در جوامع پیش از تاریخ بی‌ارتباط با آیین‌های باروری و زایش نیست. گاه نقش مردان نیز در این نقوش دیده می‌شود که هنگام پایکوبی، بعد از برداشت محصول، ماسکی مانند صورت بعضی حیوانات بر سر دارند. (ت: ۳) و (ت: ۴)



## مظاهر کیهانی:

پرستش آتش و خورشید: مردم آغازین، آتشی را که طبیعت توسط رعد و برق به آنان ارزانی شده بود پاسداری می‌کردند و از دست دادن آن فلاکت‌بار بود، چون به تاریکی، سرما و هلاکت توسط جانوران وحشی محکوم می‌شدند. ضرورت نگاهداری آتش به گرامیداشت آتش انجامید و مردمان آتش‌پرست شدند. (ت: ۵)



از میان لایه‌لایه‌ی خاک این سرزمین آرزوها و تمایلات مردمی را شاهدیم که رویش و زایش درخشان‌ترین خواسته‌ی آنها بوده است؛ مردمی که زندگی و هر آنچه که جلوه‌ای از زندگی بوده را دوست داشتند و بدان دلبسته بودند.

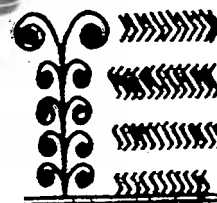
در شماره‌های پیشین<sup>۱</sup> که تحت عنوان سیلک نمادها و نشانه‌ها: نقوش جانوری و گیاهی آمده است، اشاره شد که هنرمند برای بیان اعتقادات و تمایلات خود و گاه نیز وضعیت محیط و زندگی اش، از نقوش و نمادها سود جسته است. در میان نقوش سیلک، به نمادهایی برمی‌خوریم که جنبه‌ی تقدس و اسطوره داشته‌اند یعنی انسان آن دوره به حمایت و پرستش خدا و یا خدایان نیاز داشته است و وحشت و اضطراب خود را از نیروهای مقتدر اهریمنی با توسل به خدایان گوناگون تسلی می‌داده است.

در این بخش از تقسیمات نقوش سفالینه‌های سیلک، به مظاهری پرداخته می‌شود که جنبه‌ی تقدس آنها بیشتر است.

## مظاهر گیاهی:

گیاه نشانه‌ی باروری است. گیاه و جوانه نماد رویش، زایش، برکت و نظم است.

گیاه غذای روزانه‌ی انسان را تشکیل می‌داد و بذر گیاه جوانه می‌زد و رشد می‌کرد. پس گیاه برای او جنبه‌ی تقدس داشت. انسان رویش گیاهان را زناشویی انسان و زمین می‌دانست و در نتیجه گیاه از یک سو نماد نظم کیهانی و از سوی دیگر پدیده‌ای بود که خود نیز این عمل کیهانی را انجام می‌داد، یعنی بارور می‌شد و زاینده بود. در بسیاری از ظروف سفالی نقش درخت زندگی که نمونه مثالی گیاهان است دیده می‌شود. در این عصر نقش درخت همراه با بُز نر نماد باروری است. (ت: ۱) و (ت: ۲)



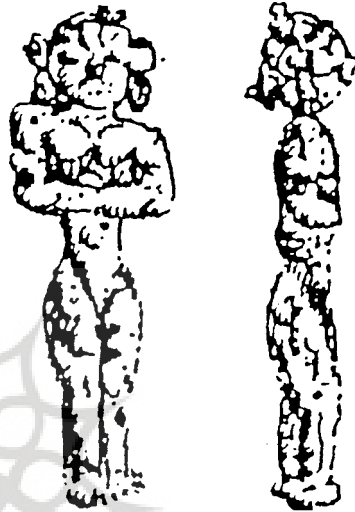
مظاهر اسطوره‌ای یا توتمی:

الهه مادر:

انسان از حدود پنج هزار تا هزاره‌ی نخست پیش از میلاد مسیح همواره الهه‌ی مادر را می‌پرستید. این الهه نماد بارداری، زایش، برکت و مادر هستی است. وجود پیکر الهه مادر نمایانگر طرز فکر جوامع مادرسالار بوده است. نمونه الهه مادرانی که در جهان یافت شده، بیشتر پیکر زنانی بوده با سینه‌ها، باسن و شکم فربه که خود نشان‌دهنده‌ی تأکید بر باروری و زایش است.

لیکن در الهه‌ی مادر سیلک این جنبه‌ی اغراق‌آمیز به چشم نمی‌خورد،

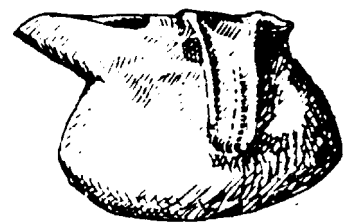
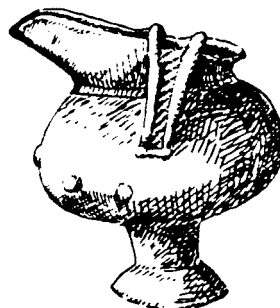
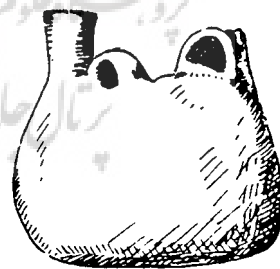
گویا بیشتر جنبه تمثیلی مدنظر بوده است. الهه مادر در ایران «نانا» نامیده می‌شده که به نوعی متأثر از ایزدبانو اینانای بین‌النهرین است. پیکر الهه مادر سیلک نشان می‌دهد که در ساخت این پیکرها تحولی صورت گرفته، پیکرها کوچک شده و به شکل طلسم و آویزهای زینتی درآمده و جنبه‌ی نمادین آن افزوده شده است. (ت: ۲۰)



ظروف آب:

ظروف آب از جمله ظروف گلین و سفالین سیلک، بازمانده از عصر کشاورزی است.

در ساختار و شکل بیرونی این ظروف، شخصیت محوری زن که بازتابی از توانایی‌های بال فعل و بالقوه‌ی او در گردآوری، رویاندن، حفاظت و زندگی بخشیدن است، نمایان می‌شود. این ظروف نماد طبیعت زنانه و موقعیت اجتماعی زنان است. به طور کلی ظرف، نه تنها وسیله‌ای برای نگهداری آب و غذا بوده بلکه خود نیز نماد تمثیلی زن بوده است. (ت: ۲۱ و ۲۲ و ۲۳)



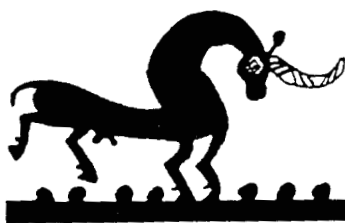
توتم:

این نماد را در قبیله یا قوم به شکل تندیس حیوانی کوچک، مانند سگ، می‌توان دید که مورد تقدیس و پرستش قبیله بوده و نماد توتمی دارد. (ت: ۲۴ و ۲۵ و ۲۶)



اسب بالدار، انسان بالدار یا اسب شاخدار:

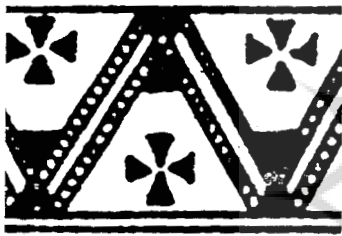
در نقوش سیلک، اسب بالدار یا اسب شاخدار نیز دیده می‌شود که هر کدام از آنها به تنهایی و یا به صورت ترکیبی حکایت از نشان یا رمز بوده و از آنها برای طلب یا ارضاء خواسته‌های خود استفاده می‌کردند. (ت: ۲۷) و (ت: ۲۸)



تنها ذخیره آب است که با جویبارهای زندگی بخش خود آبیاری می نماید. مثلثی که داخل آن خطوط شطرنجی طرح شده معرف کوه است. کوه نگهبان و منبع توالی حیات و خود دارای نیروی تولید و سرچشمه ی زندگی و مظهر حاصل خیزی و فراوانی بوده است و به همین دلیل جهت خطوط موجودار عمودی که از زیر مثلثها کشیده شده است نشانه ی جویبار و رودهای جاری شده از کوه می باشد. (ت: ۱۵)



مثلث های سرپایین، نشانه ی دره ها و لوزی نشانه ی کوه و دره در کنار هم می باشد. نقطه ها نشانه ی ستارگان است که به هنگام شب به شکل نقطه های نورانی دیده می شوند و دایره ها اغلب نشانه ی ماه و خورشید هستند. (ت: ۱۶)



آب (دریا - رودخانه):  
 آب نماد زندگی، مرگ، رستخیز، راز آفرینش، پاک، رستگاری، تجدید حیات و دگرپسندی است. (ت: ۱۷)



دریا: نماد مادر همه ی انواع حیات، راز معنوی و پیرانگی، مرگ و حیات مجدد، بی زمانی و ابدیت، ضمیر ناخود آگاه می باشد. (ت: ۱۸)



رودخانه: نماد مرگ و حیات مجدد، جریان زمان و ابدیت، مراحل انتقال چرخه ی حیات و حلول خداپایان می باشد. (ت: ۱۹)

یکی از مهم ترین عناصر در جوامع کهن سنگی به شمار می رود. در مواردی به عنوان همسر خورشید و یا سمبل نیروی حیات، تغییر فصول و تجدید حیات و بی مرگی است. به همین دلیل شاید اهمیت ماه در مواردی بیش از خورشید بوده، زیرا تغییر شکل آن چون پُرسدن و خالی شدن، مفهوم زمان و تغییرات روز و شب و سال را در برداشته است. نقش ماه به صورت قوس در شکل

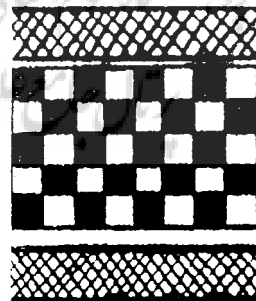


حیوانات شاخدار و بر روی کلاه انسان های عهد کهن دیده می شود که مظهر نیروی خدایی آسمانی است. (ت: ۱۳)

خورشید روشنی، گرما و خشکی و ماه خنکی و باران را به همراه داشته است. بز کوهی و گوزن و بعدها خرگوش از حیوانات متعلق به ماه هستند. بز کوهی با شاخ های بزرگتر از اندازه های معمول و شبیه هلال ماه بر روی سفالینه ها ترسیم می شده که شاخ آن نماد ماه است. شاخ قوچ مظهر باروری و حاصل خیزی است و یکی از خصلت های ماه می باشد. قرص ماه که گاه در میان شاخ ها قرار گرفته گویی مخزن آب را در بر دارد. با توجه به معانی مذهبی و جادویی شناخته شده می توان دریافت که چرا نقش جانوران شاخدار در هنر ایران و خاصه روی سفال های منقوش دنیای کهن پیوسته تکرار می شود.

از دیگر نمادهایی که به ماه نسبت داده می شود، چشم طاووس، چشم انسان با مژگان بلند، چشم گاو، عقرب با دم شبیه به هلال ماه، مار شاخدار و گوزن با شاخ های خمیده و هلال ماه می باشد.

زمین: نماد مادر هستی، زن، کشتزار، ایزد بانوی زمین، ایزد بانوی برکت بخشی، پرورش دهنده ی آفرینندگان، یاری دهنده ی رمه ها، درمان بخش، سبزکننده ی چراگاه ها، دختر ایزد آسمان، برکت، رویش و سبزینه است. سطح شطرنجی محاط در مربع و مستطیل نشانه زمین های زراعی است. زراعت مهم ترین مشغله ی انسان های عصر نوسنگی است که به دلیل اهمیت در زندگی به وفور در روی سفالینه ها دیده می شود (ت: ۱۴)



کوه، رود، ستاره:

نقوش زیکزاک و کنگره، نشانه ی کوه مقدس است که رودها و نهرها و چشمه سارها از آن سرچشمه می گیرند و واسطه ای نمادین بوده برای تقرب جستن به درگاه عرش اعلی، برای آنکه باران های بی پایان خاک را بارور کنند و خرمن ها را انبوه گردانند، زیرا در درون کوه، جمیع نیروهای حیاتی که موجب نشو و نماهای گیاهان است متمرکز شده اند. کوه همیشه مورد احترام و توجه همگانی بوده، هنگامی که باران به حد کافی نمی بارد کوه



**Birth of the Persian Empire  
the Idea of Iran Volum 1  
Vesta Sarkhoush Curtis &  
Sarah Stewart**

**امپراتوری ایران**

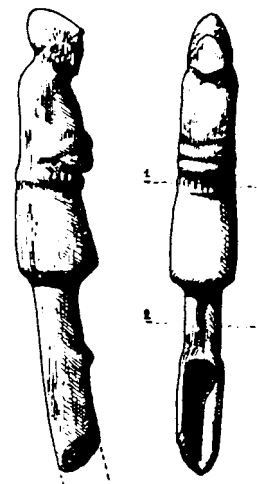
یکی از تمدن‌های باستانی که کمتر شناخته شده و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، تمدن ایران است. مؤلف به چگونگی شکل‌گیری امپراتوری تحت حاکمیت شاهان هخامنشی اشاره و به هنر، باستان‌شناسی، تاریخ و مذهب در یک محدوده‌ی جغرافیایی فراتر از مرزهای فعلی ایران امروز و در دوره‌های آغازین شکل‌گیری امپراتوری ایران در میانه‌ی قرن ششم تا انهدام آن توسط اسکندر کبیر در اواخر قرن ۱۴ پیش از میلاد می‌پردازد. این کتاب اولین جلد از سری Iran Idea of به شمار می‌رود که از یک مجموعه چهار جلدی درباره‌ی تاریخ ایران منتشر می‌شود.

وستاسرخوش کرتیس موزه‌دار سکه‌های ایران باستان در موزه‌ی بریتانیا و همکار مجله ایران است. از وی تاکنون کتاب‌هایی چون هنر و باستان‌شناسی ایران (I.B Taunis) به چاپ رسیده است. سارا استوارت نیز در انستیتو خاورمیانه لندن فعالیت دارد. کتاب در ۱۹۲ ص، با قیمت ۳۹/۵۰ پوند، در آگوست ۲۰۰۵ توسط انتشارات I.B Tauris به چاپ رسیده است.

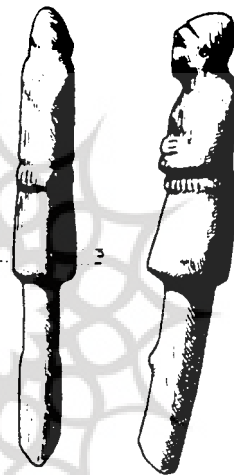
ISBN: 1 84511 0625

**دسته‌ی چاقو:**

دسته‌ی چاقویی که از استخوان با کمال مهارت تراشیده شده، در پایین‌ترین طبقات تپه‌ی سیلک کشف شده و متعلق به ۴۲۰۰ سال پیش از میلاد است. این دسته‌ی چاقو، انسانی را در مقابل خداوند در حال تواضع و ایستاده نشان می‌دهد. (ت: ۳۰)



نشانه‌های تصویری به جا مانده در سیلک، بیانگر آرزوی پیوستن به جاودانگی است. هنرمند سیلک با تنهایی بیگانه است و راز جاودانه بودن را در ارتباط با دیگران می‌داند. او می‌آفریند تا که باشد و به تصویر می‌کشد تا که در تنهایی نماند. آنچه او خلق می‌کند تنها از سر نیاز و ضرورت نیست و زندگی را به تصویر می‌کشد. آرزوها و تمایلات و اعتقادات، راه‌سیطره و چیرگی و تفوق، راه‌عشق و زیبایی و غم و ترس، راه‌بازبانی بیان می‌کند که برای همگان آشنا است. هنرمند در پی آوازه نیست چرا که دربی‌نامی می‌میرد. او می‌خواهد که حکایت‌گر باشد، حکایت‌گر عشق انسان به حیات و زایش، و چه خوب از عهده برمی‌آید.



\* کتاب ماه (هنر). شماره‌های (۳۸-۳۷) مهر و آبان ۱۳۸۰، (۵۰-۴۹) مهر و آبان ۱۳۸۱

**منابع:**

- ۱- پوپ، آرتور. شاهکارهای هنر ایران، ترجمه ناتل خانلری، تهران: انتشارات فرانکلین، اردیبهشت ۱۳۳۸.
- ۲- گریشمن، رمان. ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول ۱۳۳۶... چاپ نهم ۱۳۷۲.
- ۳- جابر، گرتروود. نمادها، ترجمه و تألیف محمدرضا بقایور.
- ۴- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. اسطوره و بیان نمادین، تهران: ۱۳۷۴
- ۵- گزیده‌ای از گفت و گو با دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تیرماه ۱۳۷۴.
- ۶- گزیده‌ای از سخنرانی دکتر غلامعلی حاتم تحت عنوان «نقش و نماد در سفالینه‌های پیش از تاریخ»، تهران: ۱۳۷۴/۲/۱۸، دانشگاه هنر.